

جنگ،

و جنگ تبلیغاتی

بسم الله الرحمن الرحيم

است. و همچنین وظیفه مردم و نیروهای اطلاعاتی و انتظاماتی در مقابله با شایعه پراکنان و مرجفان و اراجیف سازان نیز سنگین و مهم است.

گاهی دیده می شود که بعضی از کوردلان که همچون خفاش با همه نزدیکی، نور آفتاب را به دلیل حسادت و رشک نمی توانند دید حتی در جلسات خصوصی مربوط به شهدا و تجلیل از آنان با اظهار تاسف، در حقانیت راه آنان تشکیک می نمایند و بجای تسلیت نمک بر زخم دل پدران و مادران داغیده می پاشند.

تکرار تاریخ

تاریخ تکرار می شود. اینها پیروان همان نابخردانی هستند که در دوران خلافت ظاهری امیرالمؤمنین علیه السلام با القاء شبهه، حقانیت جنگهای آن حضرت را با پیمان شکنان و یاغیان و متجاوزانی چون معاویه مورد تشکیک قرار می دادند که اینها مسلمانند! و این جنگ برادرکشی است! و چون معاویه احساس

پیروزیهای رزمندگان اسلام در عملیات اخیر بخصوص در کربلای پنج و حساسیت فوق العاده منطقه عملیاتی، دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی را سخت به وحشت انداخته که با شتابزدگی دست به حرکتی انفجالی و عکس العملهای ناشیانه می زنند که از جمله آنها جنگ تبلیغاتی است.

و در این زمینه تنها رادیوهای بیگانه نیست که متعهد حمایت از دشمن متجاوز است بلکه دشمنان داخلی و منافقان و سست عنصران و غربزدگان و راحت طلبان و حسودان و نادانان هرکدام به سهم خود در جهت خدشه دار ساختن جنگ و حقانیت آن فعالیت چشمگیری دارند.

به همین دلیل وظیفه نویسندگان و سخنگویان در پاسخگویی از شبهه های القا شده از سوی مخالفان بسیار سنگین

شکست کرد و از عمر و عاص چاره خواست و او با بلند کردن قرآن بر سر نیزه‌ها مطالبه صلح و داوری نمود، همین متحرفان سعی در تحمیل صلح بر امیرالمؤمنین علیه السلام نمودند و سرانجام در اثر جهالت و نادانی آنها، آن حضرت با همه مخالفت ناچار شد دست از جنگ بردارد و بالاخره آن یاغی متجاوز به هدف شوم خود رسید. اینان نیز همان روش را در پیش گرفته‌اند ولی خوشبختانه امام امت دارای چنان اصحاب و یارانی است که لحظه‌ای در انجام فرمانها و دستورات آن حضرت درنگ روا نمی‌دارند و هر چه آتش جنگ فروزانتر و تبلیغات دشمن گسترده‌تر می‌شود این جوانمردان مصمم‌تر و در راه خود قاطع‌تر می‌شوند. والحمد لله رب العالمین.

باید با صدام بجنگیم

نکته‌ای که در این زمینه باید تذکر دهیم این است که ما گرچه همیشه درباره این گونه شبهه‌ها پاسخ می‌گوئیم که این جنگ بر ما تحمیل شده و ما خواهان آن نبودیم ولی واقعیت این است که دشمن زمینه بهتری برای موفقیت ما در انجام وظیفه شرعی خویش فراهم نموده و گرنه ما دیر یا زود وظیفه داشتیم که با کمک به مردم مسلمان عراق این رژیم کافر را از سرزمین مقدس اسلامی برانیم. مگر از نظر شرع مقدس اسلام چه فرقی میان شاه و صدام است که انقلاب بر ضد شاه لازم و واجب بود و بر ضد این حزب کافر واجب نباشد؟

بسیاری از این شبهه‌سازان اصل انقلاب را حق می‌دانند ولی جنگ را نمی‌پذیرند. مگر اسلام یک دین ناسیونالیستی است که هر ملتی در چارچوب ملیت خود وظیفه داشته باشد؟ اسلام هرکس را که توان امر به معروف و نهی از منکر دارد در حدود قدرت و استطاعتش موظف نموده که معروف را به پا دارد و منکر را از بین ببرد. شاه با همه بدکاری و خیانت و ترویج کفر و فساد و فحشا، رسماً از سوی حضرت امام تکفیر نشد ولی حزب بعث محکوم بکفر است.

کسانی که به ایدئولوژی این حزب واقفند خوب می‌دانند که این حزب کافر است و محارب. یعنی به شدت و سرعت هر چه

تمامتر سعی در برانداختن همه ارزشهای اسلامی و حتی اعتقادات اسلامی و ظواهر دین دارد.

فعالتهای ضد مذهبی حزب بعث

در سازمان امنیت عراق بخش بسیار وسیعی به نام مبارزه با ارتجاع مذهب وجود دارد و همین بخش بود که حوزه علمیه نجف را از هم پاشید و طلاب و فضلا را که اکثراً ایرانی بودند تنها به بهانه ایرانی بودن از آنجا اخراج کرد و روحانیون عراقی را تحت تعقیب قرار داد و به بهانه‌های مختلف بعضی را اعدام و بعضی را زندانی نمود. مرحوم آیه الله حکیم قدس سره را تحت فشار قرار داد و یکی از فرزندانش را متهم به جاسوسی کرد و به این بهانه او را در خانه تحت نظر گذاشت و حتی بعضی از طلاب که برای ملاقات ایشان از نجف به کوفه حرکت کردند مورد شتم و ضرب قرار داد و پس از وفات ایشان به هر دست آویزی در حوزه ایجاب رعب و وحشت نمود و روز به روز از کیفیت و کمیت حوزه علمیه کاسته شد و مانع تصمیمات ضد مذهبی دولت بعث از سر راه برداشته شد.

در زمینه ظواهر مذهبی، حزب بعث سعی بلیغی در برچیدن آنها نمود. هرگونه تظاهراتی به مذهب در ادارات دولتی و مدارس و دانشگاهها به شدت مستوجب تعقیب سازمان امنیت بود. برنامه‌های دین و قرآن بطور کلی از مدارس برچیده شد حتی قطعات ادبی که در کتابهای درسی از قرآن یا نهج البلاغه آمده بود جای خود را به کلمات نامربوط میشل علق و امثال او داد. علق یک مهتر انگلیسی مسیحی مذهب است که رهبر این حزب و او را در عراق به نام پدر بنیانگذار! می‌خوانند. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل. کلمات کفرآمیز که از لسان این پلید در رسانه‌های گروهی و حتی کتابهای درسی دانش‌آموزان پراکنده است نشانگر کینه و دشمنی عمیق او با اسلام و مسلمین است. در یکی از این جملات می‌گوید: این ملت عرب است که محمد را همچون یک نابغه به وجود آورده است و این ملت می‌تواند در هر زمان از امثال محمد فراوان به دنیا عرضه کند!!!

خلاصه بطور کلی فعالیت و تحرک این رژیم برای اسلام



زدائی از جامعه عراق و زدودن همه آثار دین و مذهب و خداپرستی که آن را ارتجاع می‌نامید به مراتب از فعالیت شاه سریعتر و با خشونت بیشتری همراه بود و هست.

جهد ما جهاد تدافعی است

بنابر این مبارزه و ستیز با این حزب کافر و ملحد بر هر مسلمانی که توان داشته باشد لازم و واجب است. و اگر این جنگ را آنها شروع نکرده بودند و حضرت امام زمینه را مساعد می‌دیدند و دستور جنگ ابتدائی می‌دادند نیز بسیار بجا و مناسب بلکه لازم و ضروری بود حتی اگر جهاد ابتدائی را ما از خصایص امام معصوم بدانیم زیرا مبارزه با چنین رژیم بدون شک یک جهاد ابتدائی نیست بلکه جهاد تدافعی است. از نظر اسلام تنها خاک و میهن نیست که باید از آن دفاع کرد بلکه در درجه اول عقیده و مذهب است که باید از آن دفاع شود. چنگ انداختن چنین رژیم کافر بر جامعه اسلامی عراق و اعتبار مقدمه و حوزه علمیه یک تهاجم بسیار نیرومند و حساب شده ای از سوی کفر جهانی بر اسلام و مسلمین است و باید همه مسلمانان به دفاع از حریم مقدس اسلام برخیزند. چه فرق می‌کند که این کافر خونخوار و مهاجم شناسنامه اسلامی داشته باشد یا غیر اسلامی؟ تازه رهبر این گروه همان گونه که گفتیم و همه می‌دانند از نظر شناسنامه نیز مسلمان نیست.

بنابر این جهاد با این گروه به هر حال یک جهاد تدافعی است دفاع از حریم قرآن و اسلام است. دفاع در برابر تهاجم کفر والحاد یعنی بلکه واقعیت این است که حتی اگر این حزب کافر نبود و تنها مانع عمل به دستورات اسلامی و برقراری نظام اسلامی بود باز هم مبارزه با او یک دفاع به حساب می‌آید نه هجوم همان گونه که مبارزه با شاه و شاهان گذشته و حال نیز دفاع از اسلام و حقوق مسلمین بود و هست. پس جنگ با این حزب بطریق اولی یک ضرورت شرعی است. در عین حال انقلاب اسلامی این جنگ را شروع نکرد بلکه بر او تحمیل شد. و اکنون که زمینه آماده شده است، بدون شک باز ایستادن از جنگی که خود در ابتدا لازم بود و دشمن زمینه آن را سریعتر

فراهم نمود نه تنها به صلاح ایران نیست بلکه از نظر شرعی یک خیانت به آرمان اسلام و قرآن و شریعت است نباید این گونه توهم شود که جنگ اکنون در خاک عراق است و آن را نمی‌توان دفاع نامید که این خود یکی از شبهه‌های القاشده از سوی دشمنان است. دفاع از اسلام خاک و کشور را نمی‌شناسد و همه مرزها برای دفاع از دین خدا باز است.

نگارنده این سطور در محضر یکی از مراجع بزرگ حاضر بودم که ایشان درباره جنگ فرمودند: خوب شد که عراق خود این جنگ را شروع کرد تا نابود شود و گرنه برای ما حمله ابتدائی مشکل بود. و این سخن به وضوح می‌رساند که وظیفه اصلی شروع به جنگ بود زیرا این جنگ بهر حال دفاع است.

سرباز مسلمان زیر پرچم کفر

گاهی چنین القا می‌شود که سربازان عراقی اکثراً مسلمانند و پیرو حزب بعث نیستند و گاهی در سنگرهای آنان نیز قرآن و سجاده پیدا شده است گرچه سعی فرماندهان آنها این است که جو مذهبی را از بین ببرند ولی در میان آنها نمازخوان نیز وجود دارد و بهر حال اکثر سربازان عراقی پیرو حزب بعث و اعتقادات آنها نیستند بنابراین کشتن آنها جایز نیست. آن هم در این سطح وسیع و گاهی به آیه «فلا یسرف فی القتل» نیز به اشتباه تمسک می‌شود.

پاسخ از این شبهه این است که سرباز مسلمان اگر زیر پرچم کفر بجنگد در حکم کافر است و باید از میان برداشته شود و تا زمانی که سرباز عراقی مسلمان در اختیار کفار است باید کشته شود و در کشتن آنها هیچ اسراف نیست. و اگر این زیاد کشی اسراف باشد پیروی از امیرالمؤمنین علیه السلام است که به «قتال العرب» معروف شد یعنی بسیار کشته. کشتن نیروهای باطل هر چه بیشتر بهتر است. آیه فلا یسرف فی القتل در مورد قصاص است.

«ومن قتل مظلوما فقد جعلنا لولیه سلطانا فلا یسرف فی القتل انه کان منصوراً» کسی که به ستم کشته شود ما از ولّی دم او حمایت می‌کنیم ولی نباید در کشتار تجاوز کند زیرا بانصرت و یاری ما اقدام می‌نماید. منظور این است که در مورد قصاص از



حمله هوایی دشمن به شهرها

بعضی از راحت طلبان که هیچ احساس مسئولیتی در برابر این جنگ ندارند و تنها فکر و هدفشان بهتر زیستن و خوشتر زندگی کردن است از حمله های هوایی دشمن به شهرها و مناطق مسکونی به وحشت افتاده و ادامه جنگ را سبب نابودی ایران می دانند و به این دلیل صلح ذلت بار را می پسندند و هر روز نغمه ای در این راه سر می دهند.

پاسخ اینها را امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: «فالموت فی حیاتکم مقهورین والحیة فی موتکم قاهرین.» شما در اشتباهید اگر این گونه ماندن را زندگی می نامید. زندگی با غلبه دشمن خونخوار و منت گذاشتن او بر صلح ذلت بار چیزی بجز مرگ نیست. و مردن در راه هدف الهی و احیای عدالت چیزی بجز حیات جاودان نمی باشد. ملت مجاهد و فداکار و خداجوی ایران همان گونه که تا بحال بارها به اثبات رسانده است تا سرحد شهادت، جنگ با دشمنان خدا را ادامه خواهد داد و کشته شدن در این راه را چه در جبهه جنگ و چه در زیر بمباران وحشیانه دشمن - که آن هم دلیلی بجز مقاومت این ملت مسلمان ندارد. سعادت و خوشبختی می داند. این وحشیگریها بیشتر شقاوت دشمن و بی اعتنائی او را به همه ارزشها و پیمانهای بین المللی و وجدان انسانی به اثبات می رساند و دلیل روشنی است بر عدم امکان صلح با چنین جانور درنده ای که نه به کودکان و زنان رحم می کند و نه قدسیت و احترام اماکن مقدسه را نگه می دارد.

بنابر این به هر قیمتی باشد این جنگ را باید تا سرنگونی دشمن کافر ادامه داد و این جنگ در هر حال یک جنگ دفاعی است که حتی اگر تحمیل نشده بود لازم بود شروع شود اکنون که دشمن شروع کرده به هیچ وجه نباید این فرصت را از دست داد. به امید پیروزی هر چه سریعتر رزمندگان اسلام بر نیروهای کافر حزب بعث.



شخص قاتل نباید تجاوز کرد آن گونه که رسم عرب بوده و هست که اگر دستشان به قاتل نرسید دیگران از قاتل او را می کشند و گاهی به دلیل اهمیت شخص به یک نفر دهها انسان بیگناه را می کشند و می کشند!! این روش مورد سرزنش و منع قرآن است. و این هیچ ربطی به مبارزه با کفار و نیروهای مورد استفاده کفر ندارد.

رفتار با سربازان عراقی

سرباز عراقی آن گاه که اسیر می شود و از چنگال کفرها می شود برادر مسلمان ما است و لذا رفتار نیروهای اسلامی ما با آنها به گونه ای است که خودشان نیز در تحیر و تعجب می مانند. ما در اینجا فتوای حضرت امام در مورد اسرا را می آوریم تا هم برای رزمندگان حجت باشد و هم برای دیگران که تهمت های ناروایی در این باره منتشر می سازند. و اگر احیاناً فردی پیدا شود که در خفا روش نامطلوبی داشته باشد خود را اصلاح نماید. و این را نیز تذکر می دهیم که اموال امرا ملک آنها است و کسی حق ندارد چیزی از آنها را بعنوان غنیمت بردارد. تنها غنیمت در این جنگ اموال دولتی است که تکلیف آنها نیز با دولت اسلامی است و افراد متفرقه حق تصرف در آنها را بدون اجازه مسئولین ندارند.

س - برخورد و رفتار با اسرای جنگی باید چگونه باشد و آیا کسی می تواند بخواهر آن که اسرا قبلاً در حال جنگ با اسلام بوده اند به آنها توهین نماید؟
ج - اهانت به اسرا جایز نیست بلکه باید نسبت به آنان اخلاق اسلامی مراعات شود.

سیدنا
وامت بر اسرا جایز نیست بلکه باید نسبت برکنانیم
رضدق بسلا مراعات شه

